

کاربرد تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری در بازآفرینی فرهنگ مینا، با رهیافت گردشگری در محل‌های تاریخی (مطالعه موردی: محله ظهیرآباد تهران)

موسی پژوهان* - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران
نبی مرادپور - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران
رضا قشقایی - دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران
محبوبه عاشوری شادهی - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

تأیید مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

چکیده

تغییرات اقتصاد ملی و بین‌المللی کشورها در دو دهه پایانی سده بیستم میلادی و لزوم تعدیل شیوه‌های مداخله در نواحی شهری براساس نیازهای محلی، سبب شده است ابزارهای سنتی به‌کار گرفته‌شده برای تجدید حیات شهرها که به‌تنهایی توان رویارویی با علل بروز افت شهری ندارند به چالش دچار شوند. حرکت دیدگاه‌ها از مداخلات بزرگ‌مقیاس، پروژه‌محور و دولت‌محور به‌سوی بازآفرینی محلی و فرایندمحوری با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و مشارکت‌محور، از ویژگی‌های بارز بازآفرینی شهری فرهنگ میناست. در این میان، گردشگری فرهنگی به‌عنوان تسهیل‌کننده این بازآفرینی، در حال تبدیل‌شدن به رهیافتی کارآمد و پایدار است. هدف پژوهش توصیفی-تحلیلی و کاربردی حاضر، تبیین ارتباط این دو مقوله با استفاده از روش/ فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری در توسعه گردشگری فرهنگی محله تاریخی ظهیرآباد منطقه ۲۰ شهرداری تهران است. نتایج نشان می‌دهد این روش/ فن با قابلیت‌هایی که در ارتباط‌گیری گسترده با طیف وسیعی از عوامل تأثیرگذار بر فرایند بازآفرینی دارد به‌همراه تقویت اقتصاد و ساختار مدیریت محله‌ای، در اولویت برای آغاز برنامه‌ریزی بازآفرینی این محله قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی فرهنگ مینا، توسعه گردشگری فرهنگی، تهران رهیافت، ظهیرآباد.

مقدمه

فرهنگ عاملی است که از یک‌سو ریشه در تاریخ دارد و از سوی دیگر با آرمان‌ها، خواسته‌ها و باورهای انسان‌ها درهم‌آمیخته است و ویژگی منحصر به فردی را برای هر اجتماع انسانی شکل می‌دهد؛ از این‌رو بُعدی ازلی دارد (مامفورد، ۱۳۸۵: ۳). تغییرات اقتصاد ملی و بین‌المللی کشورها در دو دهه پایانی سده بیستم میلادی و لزوم تعدیل شیوه‌های مداخله در نواحی شهری براساس نیازهای محلی، سبب شده است ابزارهای سنتی به کار گرفته شده برای تجدید حیات شهرها که به‌تنهایی توان رویارویی با علل بروز افت شهری ندارند به چالش دچار شوند؛ بنابراین به ابزارها و محرک‌های جدیدی برای بازآفرینی شهری نیاز است. یکی از این ابزارها که چرخشی شتابان در برنامه‌ریزی شهری به‌سوی خود دارد «فرهنگ» است (Monclus and Guardia, 2005: 32) که خردمآیه کاربرد آن در بازآفرینی شهری، در ابعاد گوناگون اقتصادی و اجتماعی گسترده شده است. براین‌اساس از دو دهه پایانی سده بیستم میلادی، بسیاری از برنامه‌های بازآفرینی، به‌ویژه در کشورهای اروپایی، از فرهنگ به‌عنوان عاملی تسریع‌کننده بهره گرفته‌اند. بازآفرینی با استفاده از پتانسیل‌های فرهنگی گزینه‌ای تأثیرگذار در زمینه دخالت در نواحی شهری دچار افت است (Kearns and Philo, 1993: 14). در این میان، گردشگری فرهنگی مهم‌ترین ابزار این مقوله جدید است. استفاده از این رهیافت سبب شده است تا مداخله در احیای بافت‌های قدیمی با موفقیت همراه شود.

در کشور ایران، پیشینه دخالت در نواحی دچار افت شهری، به نخستین دهه سده چهاردهم ه. ش بازمی‌گردد. در دهه‌های بعد این مقوله در این‌گونه نواحی و با گسست زمانی و پراکندگی ادامه یافته است. به‌طور خاص، لزوم توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی در روند مداخله در شهرها از دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی با تصویب اساس‌نامه سازمان میراث فرهنگی کشور، به‌صورت قانونی مدنظر قرار گرفت (عزیزی، ۱۳۷۹: ۴۱)، اما مداخله در نواحی شهری دارای این ارزش‌ها، در بسیاری از موارد بدون توجه به پتانسیل‌های فرهنگی و هویت تاریخی آن‌ها انجام شده و به مخدوش شدن هویت فرهنگی و تاریخی انجامیده است.

منطقه ۲۰ شهرداری تهران با هسته تاریخی ری قدمتی ۶ هزارساله دارد. محله ظهیرآباد در این منطقه با وجود اهمیت تاریخی، اداری و فرهنگی، افزون بر مشکلات اقتصادی، محیطی و کالبدی (کاهش منزلت و بهره‌وری فعالیت اقتصادی، آلودگی هوا و آلودگی صوتی، محدودیت در ارتباطات و کیفیت بصری پایین فضاها) با مشکلات اجتماعی و فرهنگی زیادی روبه‌رو شده است؛ از قبیل ناامنی، کاهش انگیزه ساکنان برای سکونت، اضمحلال هویت، تضعیف تدریجی کارکرد فضاهای فرهنگی و جایگزین شدن آن‌ها با کارکردهای تجاری و اداری. به‌منظور جلوگیری از انباشت و تشدید این مشکلات، شناخت موانع و مشکلات توسعه گردشگری فرهنگی به‌منظور بازآفرینی این محله ضرورت می‌یابد؛ بنابراین پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که چگونه می‌توان به بازآفرینی فرهنگ مبنا در این محله با رهیافت گردشگری فرهنگی پرداخت.

مبانی نظری

برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مبنا

برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مبنا فعالیتی است که مسیر عملکرد مناسب برای هدایت فرایند بازآفرینی شهری را با

به‌کارگیری ابزار فرهنگ معرفی می‌کند. در این فعالیت، فرهنگ به‌عنوان ابزار اصلی بازآفرینی شهری در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا شیوه‌هایی کارا را برای کمک به ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی عاملان فعالیت در نواحی شهری تاریخی دچار افت و محرومیت ارائه می‌کند. عاملان درگیر در بازآفرینی فرهنگ مینا دربرگیرنده افراد و گروه‌های زیر هستند:

الف) افراد و گروه‌های مردمی که فرهنگ آن‌ها، ابزار اصلی مداخله فرهنگ مینا را در نواحی شهری تاریخی دچار افت و محرومیت شهری فراهم می‌کند؛

ب) بخش رسمی (عمومی و نیمه‌عمومی)؛

ج) بخش خصوصی.

این گروه‌ها در اشتراک با یکدیگر و در فرایند برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا در تجدید حیات محله‌های تاریخی درگیر می‌شوند، بر این فرایند اثرگذارند و از پیشنهادهای آن تأثیر می‌پذیرند (Ulldemolins, 2014: 14). آنچه در بازآفرینی شهری کاربرد دارد، منابع فرهنگی است که در تغییر الگوهای رفتاری و بسیج پتانسیل‌ها و به‌منظور دستیابی به اهداف اقتصادی اجتماعی و محیطی استفاده می‌شوند (Comedia, 2004: 4). سیاست‌های گردشگری فرهنگی که به این منظور به‌کار گرفته می‌شوند، عبارت‌اند از: توسعه فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی، ایجاد و توسعه جاذبه‌های فرهنگی، تشویق توسعه مسکن و خرده‌فروشی‌های با کیفیت بالا و جذاب با محوریت محصولات سنتی و بومی و سیاست‌های جذب سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی به ناحیه شهری برای نوسازی فعالیت‌های در حال اضمحلال فرهنگی و هنری (Middleton and Freestone, 2008: 3).

نقش این سیاست‌ها در فرایند بازآفرینی شهری ممکن است از بازیگر کلیدی تا پیش‌برنده اصلی این فرایند متغیر باشد؛ از کمک به رشد اقتصادی ناحیه شهری تا ارتقای کیفیت محیط طبیعی و ساخته‌شده، همچنین افتخارکردن به مکان زندگی و درک مشترک میان شهروندان از راه تعریف هویت مشترک غنی (Comedia, 2003: 7). همچنین آثار این سیاست‌ها می‌تواند به‌کمک برخی عوامل سبب تقویت حس مالکیت و اعتماد به فرایند و برآمدهای بازآفرینی شود؛ عواملی مانند فراهم کردن زمینه مشارکت ساکنان محلی و دیگر ذی‌نفعان در برنامه‌های بازآفرینی شهری (Evans 2005)، پخشایش همگون منافع بازآفرینی شهری میان همه شهروندان از راه ارتقای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، بهبود مهارت‌های زندگی و هدایت ظرفیت‌های نهادی برای پاسخگویی به فرایندهای تغییر در شهر (Comedia, 2003: 45). به بیان دیگر، رابطه بازآفرینی فرهنگ مینا و گردشگری فرهنگی در توسعه قابلیت‌های فضاهای فرهنگی و تاریخی نواحی قابل‌پیوند است. همچنین ساکنان محله‌ها و نواحی تاریخی به‌عنوان مهم‌ترین عاملان بازآفرینی فرهنگ مینا، به‌کمک رونق گردشگری فرهنگی توانمند می‌شوند و می‌توانند در فرایند بازآفرینی مشارکت کنند. در این میان بخش‌های رسمی و خصوصی به‌منزله حامیان و تسهیل‌کنندگان این فرایند در بسترسازی و روان‌سازی جریان بازآفرینی نقش خود را ایفا می‌کنند.

جدول ۱. توصیف سیر تحول رابطه برنامه‌ریزی شهری و فرهنگ

دوره زمانی	الگوواره	ویژگی‌ها	نمونه‌ها
۱۹۰۰-۱۹۱۰	شهر به‌عنوان اثر هنری	- تسلط فرهنگ «سطح بالا» در برنامه‌ریزی - استفاده از فضاهای فرهنگی برای نمایش ثروت - جدایی فضاهای فرهنگی از زندگی روزمره مردم	- مدل‌های پاریس و وین - جنبش شهر زیبا - برنامه شیکاگو - برنامه کانبرا - مراکز فرهنگی مدنی
۱۹۱۰-۱۹۵۰	محله‌بندی فرهنگی	- خلاصه‌شدن ملاحظات فرهنگی به تأمین سلسله‌مراتبی تسهیلات - محدودشدن آمال فرهنگی شهروندان به فضاهای شهر خاص	- تسهیلات مدنی واحد همسایگی - استفاده در برنامه‌های کل و کارکردی شهر پس از جنگ جهانی دوم
۱۹۶۰-۱۹۷۰	توجه به تسهیلات اقتدارگرایانه نمادین	افزایش فضاهای فرهنگی دارای نمود عمومی برای تقویت تصویر نواحی دچار افت شهری	- مرکز لینکلن - مرکز JFK - خانه اپرای سیدنی
۱۹۶۰-۱۹۷۰	فرهنگ‌های اجتماعات	- پدیدآمدن مفهومی دموکراتیک‌تر برای فرهنگ - دخیل کردن هنرهای اجتماعات و جنبش‌های محل در سیاست‌های شهری	- تسهیلات هنرهای اجتماع - جنبش میراث - توسعه فرهنگی اجتماع - برنامه‌ریزی اجتماعی - رهیافت‌های صنایع فرهنگی
۱۹۸۰-۱۹۹۰	فرهنگ در بازآفرینی شهری	اساسی‌ترین چرخش برنامه‌ریزی به‌سوی فرهنگ و کاربرد آن برای توسعه اقتصاد محلی و یکپارچگی اجتماعی	- پایتخت فرهنگی اروپا - بارسلونا - یلیانو - بالتیمور - گلاسگو - منچستر
۱۹۹۰-۲۰۰۰	شهر و گردشگری فرهنگی خلاق	- حرکت از اقتصاد اطلاعاتی به اقتصاد فرهنگی - رفع مشکلات شهری به کمک فرهنگ	- رهیافت‌های برنامه‌ریزی فرهنگی - گردشگری فرهنگی - هادرسفیلد - هلسنیکی - برلین
۲۰۰۰ تاکنون	بازآفرینی شهری بر مبنای گردشگری فرهنگی	- منابع فرهنگی؛ عامل جذابیت گردشگری فرهنگی - استفاده از هویت‌های ملی و جهانی برای توسعه گردشگری - گردشگری فرهنگی به‌عنوان محرک بازآفرینی اقتصادی در بافت قدیمی - مصرف فرهنگ در توسعه گردشگری شهری - برنامه‌های پایتخت فرهنگی اروپا - راهبردهای فرهنگی شهر و بازآفرینی شهری - گردشگری فرهنگی و شهر فراصنعتی	- اسلو پایتخت نروژ - ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی - کوشیسک اسولاکی - بارسلونای اسپانیا - برادفورد انگلستان - بریستول انگلستان - گلاسگو اسکاتلند - ویسوایس اسپانیا

منبع: Doucet, 2006; Monclus and Guardia, 2005; Sasaki, 2007; Smith and Strand 2010; Rogerson, 2012; Hudec and dezupka, 2014; Ulldemolins, 2014; Wickens, 2016; Law, 1992; Bassett, 1993; Murphy and Boyle, 2006; Herrero Prieto and Gómez Vega, 2017; Steven and Ronan, 2005; Joaquim, 2014; Javier and Manuel, 2016

تحول رابطه برنامه‌ریزی شهری و فرهنگ و تبیین جایگاه بازآفرینی مبنی بر گردشگری فرهنگی در این سیر دگرگونی

در برنامه‌ریزی شهری نمی‌توان به هویت‌های زبانی و دینی مردم، نهادهای فرهنگی و سبک‌های زندگی آن‌ها، رفتارها، آرمان‌ها و سهم افراد در شهرها بی‌توجه بود. از این نظر، میدان برنامه‌ریزی فرهنگ مبنای چنان وسعتی یافته است که می‌توان آن را به‌عنوان رهیافت جدید برنامه‌ریزی شهری مدنظر قرار داد. اگرچه ممکن است چرخش برنامه‌ریزی به‌سوی فرهنگ رشدی شتابان داشته باشد، این روند ناگهانی نیست؛ به این معنا که پیوستگی نهادهای فرهنگی و توسعه شهری، موضوعی وابسته به زمان است. با توجه به جدول ۱ می‌توان رابطه میان فرهنگ و رهیافت گردشگری فرهنگی و

کاربست برنامه‌ریزی شهری را در طول سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم میلادی در کشورهای توسعه‌یافته غربی، در هفت مرحله اصلی تشریح کرد. به بیان دیگر می‌توان ردپای گردشگری فرهنگی را از آغاز سده بیستم میلادی پیگیری و بازشناسی کرد. برای این منظور تلاش‌هایی برای نمایش قابلیت‌های شهر در حوزه فرهنگ و هنر تا تبدیل شدن آن به فعالیتی مستقل و هویت‌مند و رهیافتی برای بازآفرینی فرهنگ مینای شهرهای تاریخی صورت گرفته است.

ارتباطات چندسویه گردشگری فرهنگی و بازآفرینی فرهنگ مینا

گردشگری فرهنگی در مدار بازآفرینی، برای دستیابی به اهداف کالبدی و محیطی، اقتصادی و اجتماعی و اهداف فرهنگی کاربرد دارد؛ از این‌رو نقش یا اهمیت به‌کارگیری این سیاست‌ها در فرایند بازآفرینی شهری، براساس این جنبه‌ها قابل بررسی است. نقش فرهنگ در جنبه‌های گوناگون بازآفرینی تا آنجا اهمیت دارد که برخی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آن را مانند عامل تولید ارزش افزوده و نیروی شتاب‌دهنده توسعه می‌دانند. از سوی دیگر نیز عقیده دارند که به‌کمک فرهنگ نمی‌توان همه مشکلات شهری را رفع کرد (Blessi et al., 2010: 10). در سویه‌های زیر می‌توان ارتباط میان گردشگری فرهنگی و بازآفرینی فرهنگ مینا را ردیابی کرد.

• نقش گردشگری فرهنگی در جنبه کالبدی و محیطی بازآفرینی شهری

نخستین نمونه‌های کاربرد فرهنگ و هنر در فرایند بازآفرینی شهری، از بازآفرینی ملک-مینا^۱ متأثر بود (Evans and Shaw, 2004: 9). با گذشت زمان، نقش برنامه‌های فرهنگی در جنبه کالبدی-محیطی بازآفرینی شهری، از سیاست‌های ملک-مینا به سوی افزایش آگاهی درمورد موضوعات محیطی حرکت کرده است. ارتقای کیفیت محیط ساخته شده و محیط طبیعی، یکی از زمینه‌های مورد توجه در برنامه‌های بازآفرینی شهری مبتنی بر گردشگری فرهنگی است که می‌تواند به بهبود محیط محلی برای ساکنان بینجامد و پاسخگوی اهدافی مانند افزایش جذب سرمایه به ناحیه شهری مورد برنامه‌ریزی باشد. همچنین ممکن است از راه بهبود کیفیت نواحی ارزشمند طبیعی، کاربرد هنر عمومی^۲ در محیط شهری با همکاری هنرمندان، ترغیب گردشگران به دیدن فضاهای فرهنگی، ایجاد فضاهای امن برای گردشگران، تنظیم شدت فعالیت در مجراهای ارتباطی و توسعه فعالیت‌های هنری، ورزشی و فرهنگی صورت بگیرد. این عوامل آگاهی از محیط را افزایش می‌دهند و از سیاست‌های نوین مورد تأکید در ارتقای کیفیت محیط به‌کارگیری ابزار فرهنگ به‌شمار می‌آیند.

• نقش گردشگری فرهنگی در جنبه اقتصادی بازآفرینی شهری

از آغاز به‌کارگیری رهیافت گردشگری فرهنگی در بازآفرینی شهری، خردمایه اقتصادی کاربرد فرهنگ، پایه بسیاری از مداخلات بخش عمومی در نواحی شهری، به‌ویژه در زمینه‌های اشتغال‌زایی، آموزش‌های مرتبط با آن و سرمایه‌گذاری درونی بوده است. تأثیرات اقتصادی استفاده از گردشگری فرهنگی در بازآفرینی شهری، برآمدهای غیرمستقیم محیطی و اجتماعی را در پی دارد؛ زیرا از هزینه‌های اجتماعی می‌کاهد و سبب بازگشت سرمایه می‌شود (Evans and Shaw, 2004: 20; Rogerson, 2012). طی سی سال گذشته در اروپا، گردشگری فرهنگی تأثیر مثبتی بر همه بخش‌های

1. property-based
2. public art

شهری داشته (Hudec and Dezupka, 2014: 14) و در اقتصاد فرافوردیسم به منبع مهمی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شهرها تبدیل شده است. نخبگان محلی نیز آن را به‌عنوان راهبردی برای بازآفرینی شهری و برندسازی شهری به کار می‌گیرند (Ulldemolins, 2014: 1). با وجود تأثیرات مثبت فرهنگ در بازآفرینی اقتصادی نواحی شهری، توجه به این مفهوم به‌عنوان نوشداروی اقتصادی، نوعی کوتاه‌بینی است؛ زیرا این تأکید صرف بر توان اثرگذاری اقتصادی فرهنگ، ارزش فرهنگ برای مردم یک ناحیه را به‌درستی در نظر نمی‌گیرد (Miles and Paddison, 2005: 837).

نقش گردشگری فرهنگی در جنبه اجتماعی بازآفرینی شهری

با گسترش دامنه خردمایه‌های بازآفرینی شهری فرهنگ مینا، نقش گردشگری فرهنگی در جنبه اجتماعی بازآفرینی شهری، به‌ویژه در مورد موضوعاتی مانند شمول اجتماعی، پیوستگی در اجتماع، ساخت ظرفیت، هویت، بهروزی ساکنان محلی و مشارکت آن‌ها و سلامت و آموزش اهمیت بیشتری یافته است. گردشگری فرهنگی در چارچوب ساختارگرایی اجتماعی و اینکه نفوذ فرهنگی فضاها و بناها چگونه توسط گردشگران درک می‌شود، در مواردی مانند باغ کاونت لندن^۱ که سالن اپرای سلطنتی انگلستان در آن قرار دارد بررسی شده است (Guachalla, 2016: 2)؛ بنابراین می‌توان نقش گردشگری فرهنگی را در فهم بهتر نفوذ اجتماعی فضاها مدنظر قرار داد. از مهم‌ترین زمینه‌های تأثیرگذاری فرهنگ و هنر بر جنبه‌های اجتماعی بازآفرینی شهری، نقش موزه‌ها، کتابخانه‌ها، فعالیت‌های ورزشی، برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی و بسیاری از موارد دیگر است.

• نقش گردشگری فرهنگی در جنبه فرهنگی بازآفرینی شهری

این مقوله چهارمین و جدیدترین نقش مورد توجه برای فرهنگ در فرایند بازآفرینی شهری است. آثار فرهنگی کاربرد رهیافت گردشگری فرهنگی در بازآفرینی شهری، در دو زمینه کلی تأثیر فرهنگ بر زندگی فرهنگی یک مکان و تأثیر بر فرهنگ یک مکان یا اجتماع قرار می‌گیرد. در زمینه اول، گشایش فضایی با کاربرد فرهنگی در مکانی که چنین کاربردی نداشته است، بر زندگی فرهنگی آن مکان اثر می‌گذارد. در زمینه دوم، اثر فعالیت‌های فرهنگی بر فرهنگ یک مکان یا اجتماع، یعنی قواعد رفتاری، هویت، میراث و آنچه حکمرانی فرهنگی نامیده می‌شود مدنظر قرار می‌گیرد (Comedia, 2004: 19-28).

روش پژوهش

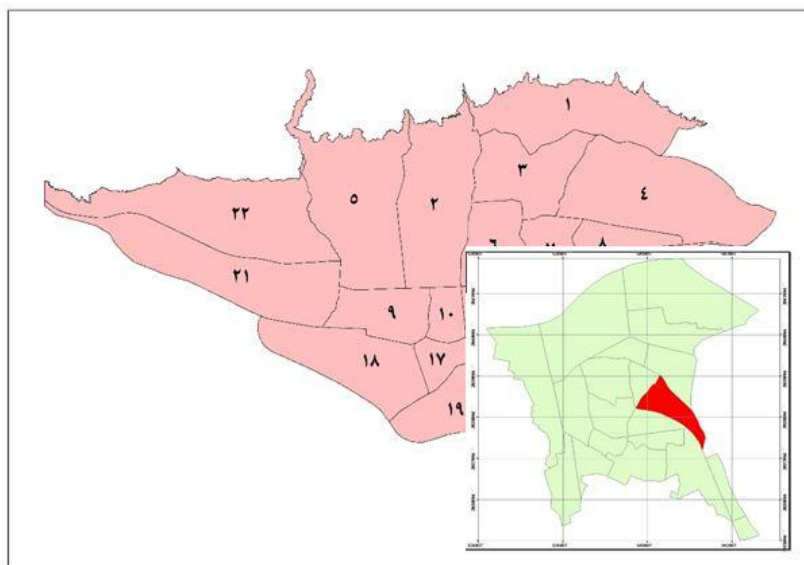
در مطالعه کاربردی و توصیفی-تحلیلی حاضر، جمع‌آوری اطلاعات به‌کمک پرسشنامه انجام شد و طبقه‌بندی و تحلیل داده‌ها با روش / فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری صورت گرفت تا رهیافت تعاملی برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا و گردشگری فرهنگی بررسی شود. ویژگی بارز این روش / فن این است که انتخاب در سطوح مختلف را از جنبه‌های گوناگون با یکدیگر مقایسه می‌کند و مغایرت‌ها را در سطح و سطوح پایین‌تر نشان می‌دهد. همچنین سبب انسجام و دقت بیشتر در انتخاب اهداف می‌شود. این روش یکی از پاسخگوترین روش‌های تدوین برنامه‌های بازآفرینی فرهنگ میناست؛ زیرا به‌کمک آن مردم به‌عنوان عاملان اصلی بازآفرینی، با فرایند برنامه‌ریزی درگیر می‌شوند. مراحل برنامه‌ریزی نیز با

دیدگاه‌های آنان پیش می‌رود. در روش / فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط می‌توان سناریوهای گوناگونی تولید کرد و راه‌حل‌های تولیدشده را در اولویت قرار داد. حتی زمانی که اطلاعات اندک در دسترس قرار دارند می‌توان از این روش / فن استفاده کرد (Dekker et al., 2003: 149).

پرسشنامه این پژوهش براساس فرایند کاربست روش / فن فوق در چهار دسته طراحی شده است: ویژگی‌های زمینه‌ای، شناسایی چستی مشکلات و چرایی بروز آنها، شناسایی دیدگاه‌های ساکنان درمورد چگونگی حل مشکلات با محوریت موانع توسعه گردشگری فرهنگی و شناسایی فضاها و فعالیت‌های فرهنگی مهم، به‌منظور کاربست در برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مبنا با رهیافت گردشگری فرهنگی. برای سنجش قابلیت پرسشنامه‌های مربوط به تعیین مشکلات محله، آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شد که رقم آن ۰/۸۱ است. پرسش‌ها نیز با استفاده از طیف نگرش‌سنجی لیکرت و در مقیاس پنج‌درجه‌ای طراحی شدند و برحسب شدت مشکل، عددی میان ۱ تا ۵ به پاسخ‌های آن‌ها داده شد. به‌منظور به‌دست‌آوردن حجم نمونه و با توجه به جمعیت ۱۵۰۷۲۷ نفری محله ظهیرآباد، همچنین با استفاده از فرمول کوکران مشخص شد کمینه پرسشنامه‌هایی که باید در این محله تکمیل شود ۱۱۸ مورد است.

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۲۰ تهران از مناطق جنوبی شهر است که ۲۳۳۶ هکتار وسعت دارد و از ۷ ناحیه و ۲۹ محله تشکیل شده است. محله ظهیرآباد در ناحیه ۱ این منطقه واقع است و بنابر شواهد باستان‌شناسی ۳۳ هزار سال قدمت دارد. بناهای باستانی و تاریخی مانند برج اینانج، مقبره بی‌بی شهربانو، برج نقاره‌خانه و برج خاموشان از تاریخی‌ترین فضاهای این محله هستند (مهرآزان، ۱۳۸۵؛ بوم‌سازگان، ۱۳۸۶).

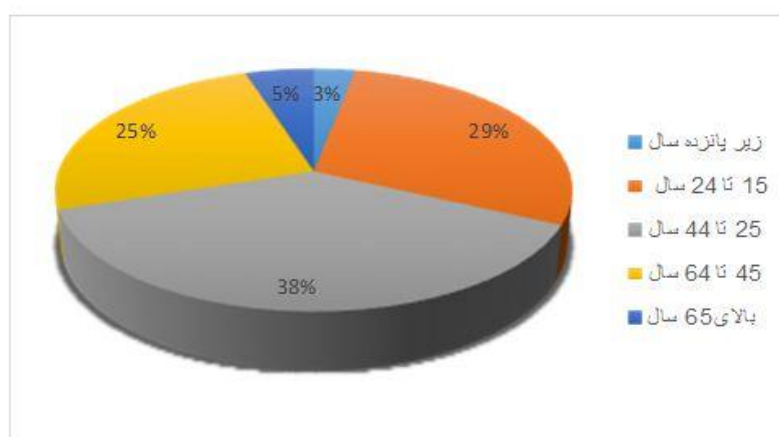


نقشه ۱. موقعیت منطقه ۲۰ و محله ظهیرآباد در شهر تهران

بحث و یافته‌ها

ویژگی‌های پرسش‌شوندگان

با استفاده از دسته‌بندی استاندارد، برای تقسیم‌بندی افراد در حوزه گردشگری فرهنگی و فعالیت‌های مرتبط که ارتباط بیشتری با رهیافت مورد نظر دارند، سن پرسش‌شوندگان به صورت نمودار شماره ۱ گروه‌بندی شده است.



نمودار ۱. توزیع سنی پرسش‌شوندگان

از مجموع پرسش‌شوندگان، ۵۸ درصد زن و بقیه مرد هستند. از نظر سطح تحصیلات، ۹ درصد پایین‌تر از دیپلم، ۶۸ درصد دیپلم، کاردانی و کارشناسی و ۱۷ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. ۶ درصد پرسش‌شوندگان نیز میزان تحصیلات خود را بیان نکردند.

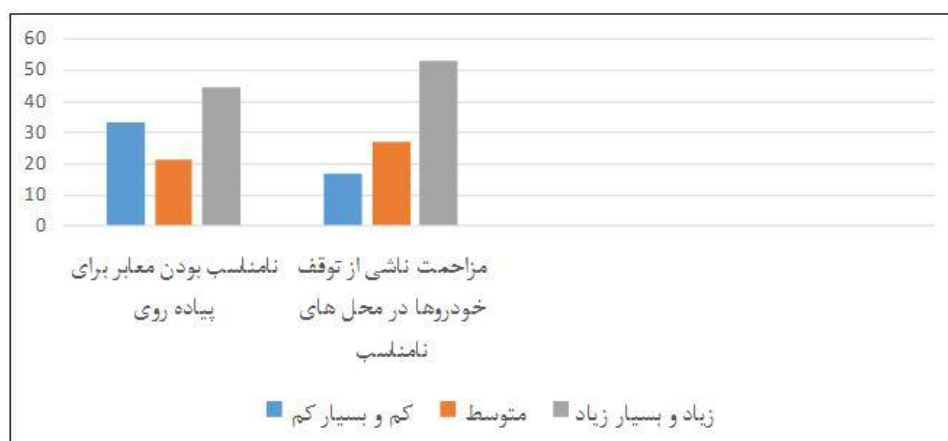
تحلیل موانع و چالش‌های توسعه گردشگری فرهنگی در محله

کیفیت بصری نامناسب فضاها، مناسب نبودن معابر برای پیاده‌روی و مزاحمت ناشی از توقف خودروها در محل نامناسب، در دسته پرسش‌های مربوط به شناسایی کیفیت پایین فضاهای محله قرار دارند. از دیدگاه ۳۳ درصد پرسش‌شوندگان شدت مناسب نبودن معابر برای پیاده‌روی بسیار کم و کم، به عقیده ۲۱/۱ درصد متوسط و از دیدگاه ۴۴/۸ درصد زیاد و بسیار زیاد است. میانگین پاسخ‌ها به این پرسش نیز ۳/۲ است. درمورد شدت مشکل مزاحمت ناشی از توقف خودروها در محل‌های نامناسب، ۱۶/۹ درصد پرسش‌شوندگان شدت مشکل را بسیار کم و کم، ۲۷/۱ درصد متوسط و ۵۳/۳ درصد زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. براین اساس میانگین پاسخ‌ها ۳/۵ است (نمودار ۲).

تحلیل پاسخ‌های مربوط به شناسایی مشکل کمبود اعتماد به نفس و هم‌بستگی ساکنان محله

مشکلات مربوط به اعتماد به نفس و هم‌بستگی ساکنان محله از سه پرسش با مضمون تمایل نداشتن فرد به معرفی خود به عنوان ساکن محله مورد سکونت، سطح پایین تعامل با همسایگان و بی‌اعتمادی یا کم‌اعتمادی به همسایگان شناسایی شده است. ۵۹/۲ درصد پاسخ‌دهندگان، شدت مشکل اول را بسیار کم و کم، ۲۴/۵ درصد متوسط و ۷/۵ درصد زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. براین اساس میانگین پاسخ‌ها ۲/۱ است. از کل پرسش‌شوندگان ۴۹/۹ درصد شدت مشکل را بسیار کم و، ۱۹/۴۹ درصد متوسط و ۲۶/۲۶ درصد زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند که میانگین این پاسخ‌ها ۲/۶

است. بسیاری از پرسش‌شوندگان، شدت مشکل مدت‌زمان سکونت بیشتر در محله را کم یا بسیار کم ذکر کرده‌اند. با وجود این از میان پاسخ‌دهندگان ۴۲/۳ درصد شدت مشکل را کم و بسیار کم و ۲۷/۹ درصد متوسط دانسته‌اند. ۲۷/۸ درصد نیز شدت مشکل بی‌اعتمادی به همسایگان را زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. میانگین عددی این پاسخ‌ها ۲/۷ است.



نمودار ۲. معرفی درصد آرای ساکنان در مورد مشکل کیفیت پایین فضاهای محله ظهیرآباد



نمودار ۳. درصد آرای ساکنان در مورد مشکل کمبود اعتماد به نفس و هم‌بستگی ساکنان محله

تحلیل پاسخ‌های مربوط به شناسایی مشکل ناامنی

به‌منظور سنجش امنیت محله‌ها، پرسش‌هایی درباره‌ی مزاحمت ناشی از رفت‌وآمد غریبه در محله، رفت‌وآمد افراد ناسالم، ناامنی فضاهای مسکونی در شب و تخریب اموال عمومی مطرح شده است. ۱۹/۲ درصد پرسش‌شوندگان شدت مشکل مزاحمت رفت‌وآمد افراد غریبه در محله را کم و بسیار کم، ۳۳/۰۵ درصد متوسط و ۳۸ درصد زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. میانگین عددی به این پرسش ۲/۹ است. همچنین ۲۱/۹ درصد پرسش‌شوندگان شدت مشکل رفت‌وآمد ناسالم در محله را بسیار کم و کم، ۳۱/۳ درصد متوسط و ۱۰/۹ درصد زیاد و بسیار زیاد دانسته‌اند. میانگین عددی پاسخ‌های این پرسش ۳/۱ است. از دیدگاه ۲۱ درصد پاسخگویان، شدت ناامنی فضاهای مسکونی در شب، کم و بسیار کم، به عقیده ۲۸/۸

درصد متوسط و از نظر ۴۸/۲ درصد زیاد و بسیار زیاد است. میانگین عددی پاسخ‌های این پرسش ۳/۲ است. شدت مشکل تخریب اموال عمومی در محله از دیدگاه ۳۱/۱ درصد پرسش‌شوندگان بسیار کم و کم، از نظر ۳۲/۲ درصد متوسط و به عقیده ۱۸/۶ درصد زیاد و بسیار زیاد به‌شمار می‌آید. میانگین پاسخ‌ها نیز ۲/۴ است.

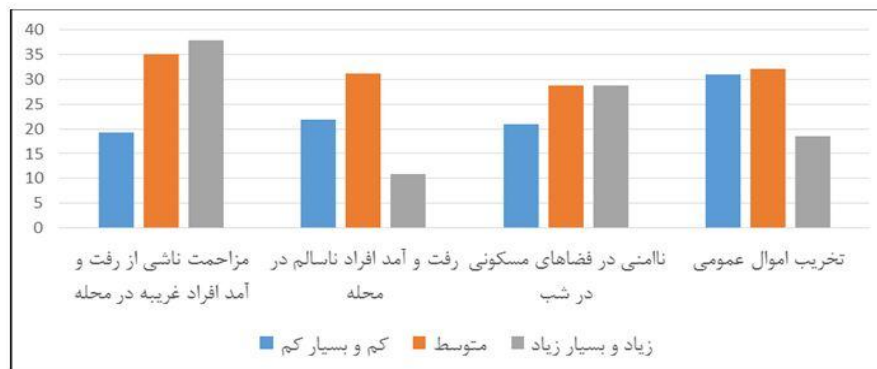
تحلیل پاسخ‌های مربوط به شناسایی مشکل تضعیف هویت اجتماعی و فرهنگی محله

شدت مشکل تضعیف هویت اجتماعی و فرهنگی محله به‌کمک چهار پرسش با فرهنگ ساکنان سنجیده شده است: تضعیف محله به‌عنوان مکانی جذاب برای سکونت و رفت‌وآمد مهاجران، برگزارنشدن جلسات گردهمایی ساکنان، کمبود تعداد رویدادهای فرهنگی و ناسازگاربودن نوع رویدادهای فرهنگی برگزارشده در محله. ۲۱/۱ درصد پرسش‌شوندگان شدت این مشکل را کم، بسیار کم و متوسط دانسته‌اند. ۵۵ درصد نیز شدت مشکل را زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. بسیاری از کسانی که معتقد به تضعیف هویت محله بودند، درباره‌ی ازدحام محل مورد نظر و نامناسب‌شدن آن برای ادامه‌ی زندگی سخن گفته‌اند. میانگین عددی پاسخ‌دهندگان به این پرسش ۳/۴ است. از نظر ۱۶/۹ پاسخگویان، شدت مشکل برگزارنشدن جلسات گردهمایی ساکنان کم و بسیار کم، به عقیده ۱۹/۴ درصد متوسط و از دیدگاه ۵۷/۶ درصد زیاد و بسیار زیاد است. میانگین پاسخ‌های آن‌ها نیز ۳/۵ است. ۱۶/۱ درصد پرسش‌شوندگان شدت کمبود رویدادهای فرهنگی را کم و بسیار کم، ۲۲/۸ درصد متوسط و ۶۰ درصد بسیار زیاد و زیاد دانسته‌اند. میانگین عددی این پاسخ‌ها نیز ۳/۵ است. به عقیده ۲۵/۳ درصد پاسخگویان، شدت ناسازگاربودن نوع رویدادهای فرهنگی برگزارشده در محله کم و بسیار کم، از دیدگاه ۳۳/۰۵ درصد متوسط و از نظر ۳۷/۲ درصد زیاد و بسیار زیاد به‌شمار می‌آید. میانگین عددی این پاسخ‌ها ۲/۹ است.

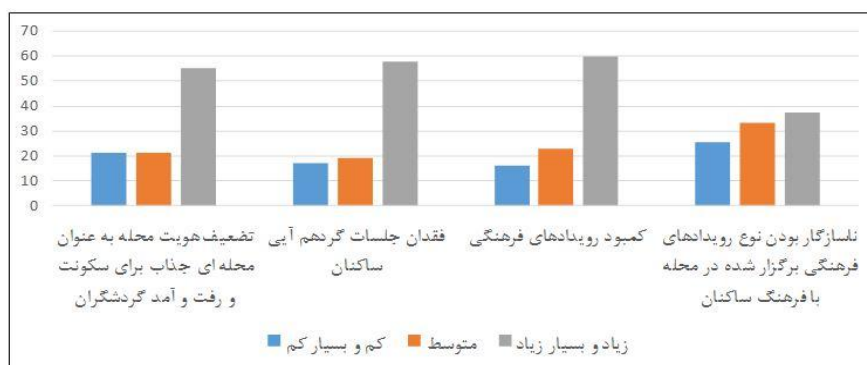
تحلیل پاسخ‌های مربوط به شناسایی مشکل امکانات مشارکت ساکنان در رویدادهای فرهنگی

محله

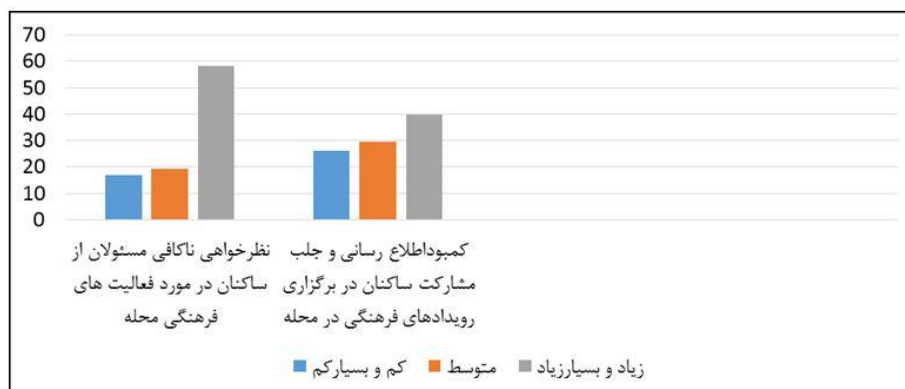
از دیدگاه ۱۶/۸ درصد پاسخگویان، شدت مشکل نظرخواهی ناکافی مسئولان درباره‌ی نوع فعالیت‌های فرهنگی کم و بسیار کم، به عقیده ۱۹/۴ درصد، متوسط و از نظر ۵۸/۴ درصد زیاد و بسیار زیاد است. میانگین پاسخ‌ها نیز ۳/۴ است. از میان پرسش‌شوندگان، ۲۶/۲ درصد شدت کمبود اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت ساکنان در برگزاری رویدادهای فرهنگی در محله را کم و بسیار کم دانسته‌اند. ۲۹/۶ درصد متوسط و ۳۹/۸ درصد زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. میانگین عددی پاسخ‌های این پرسش ۳/۰ است.



نمودار ۴. درصد آرای ساکنان درمورد مشکل ناامنی



نمودار ۵. درصد آرای ساکنان درمورد مشکل تضعیف هویت اجتماعی و فرهنگی محله



نمودار ۶. درصد آرای ساکنان درمورد مشکل امکان مشارکت در رویدادهای فرهنگی محله

تدوین چشم‌اندازها و اهداف برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی در محله تاریخی ظهیرآباد

از ترکیب و جمع‌بندی چشم‌اندازهای برنامه‌های مصوب، فرادست و نتایج تحلیل، پرسشنامه‌های تکمیل‌شده ۱ چشم‌اندازها در عرصه‌های موضوعی کلیدی بر پایه توصیف تحلیلی محله مدنظر قرار می‌گیرند. برای این منظور، این مقوله‌های مرتبط کنار هم جای می‌گیرند و آن‌ها که پیوند دارند، با یکدیگر ادغام می‌شوند (جدول ۲).

جدول ۲. بیانیه‌های نهایی چشم‌اندازهای برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی

زمینه	دسته‌بندی کلان	دسته‌بندی خرد	چشم‌اندازهای تدوین‌شده	راهبرد و سیاست
	فرهنگی و اجتماعی	هویت تاریخی و فرهنگی	محله‌ای دارای هویت فرهنگی و تاریخی غنی و محله شماره ۱ تهران در جذب گردشگران فرهنگی	راهبرد: حفاظت از فضاهای دارای ارزش‌های تاریخی و فرهنگی سیاست‌ها: افزایش آگاهی شهروندان دربارهٔ مفاخر و مشاهیر فرهنگی و علمی محله، توجه به تنوع فرهنگی و دینی در برنامه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با هویت و فرهنگ، پشتیبانی از تشکیل و ادامهٔ فعالیت گروه‌های مردمی فعال در زمینهٔ میراث فرهنگی، ایجاد و ارتقای محورهای پیاده‌فرهنگی، تفریحی و گردشگری، جلوگیری از توسعهٔ معابر سواره در نواحی دارای ارزش فرهنگی و تاریخی
		امنیت اجتماعی	محله دارای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعهٔ گردشگری	راهبرد: ۲۴ ساعته‌کردن فضاهای فرهنگی سیاست‌ها: استقرار کاربری‌های فعال در ساعات پایانی روز و ساعات شب در نواحی، با تأکید بر استقرار فعالیت‌های فرهنگی و فعالیت‌های پشتیبان آن‌ها راهبرد: افزایش نظارت ساکنان سیاست: تشویق ساکنان به حضور بیشتر در فضاهای عمومی
		میان‌کنش و هم‌بستگی اجتماعی	جامعهٔ منسجم و هم‌بسته میزبان برای گردشگران فرهنگی داخلی و خارجی	راهبرد: ارتقای فرهنگ مشارکتی ساکنان سیاست: تأکید بر تقویت مهارت کار گروهی و ارتقای خلاقیت کودکان و نوجوانان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشارکت‌جویی ساکنان و آگاهی از فواید اقتصادی و اجتماعی گردشگری در رفاه اقتصادی و اجتماعی محله، افزایش تجهیزات و تسهیلات در فضاهای فرهنگی به‌منظور افزایش میان‌کنش اجتماعی و بحث و گفت‌وگو در مورد فواید گردشگری فرهنگی
محتوایی	اقتصادی	ویژگی‌های اقتصادی	محله‌ای دارای رونق اقتصاد محلی با فروش محصولات فرهنگی و هنری به گردشگران و سایر نقاط متقاضی	راهبرد: تقویت توان اقتصادی ساکنان سیاست: سازوکار لازم برای کارآفرینی با محوریت گردشگری در سطح محله به‌کمک گروه‌های پردرآمد ساکن در منطقه، ایجاد صندوق‌های مالی مشترک میان ساکنان محله با هم‌پاری نهادهای بخش عمومی، افزایش بهره‌وری اقتصادی رویدادهای فرهنگی با توجه به جنبهٔ اشتغال‌زایی در آن‌ها راهبرد: افزایش منزلت اقتصادی فعالیت‌های گردشگری فرهنگی سیاست: پشتیبانی از عواملان فعالیت‌های اقتصادی فعال در زمینهٔ فرهنگ، استفاده از زمین‌های خالی و ساختمان‌های فرسوده برای عملکردهای گردشگری فرهنگی
	کالبدی و محیطی	زیرساخت‌ها و خدمات رفاه عمومی	محله‌ای برخوردار از خدمات و زیرساخت‌های مناسب گردشگری فرهنگی (فضاها، بناها و اقامتگاه‌های کوچک محلی)	راهبرد: تقویت زیرساخت‌های گردشگری فرهنگی سیاست‌ها: افزایش شمار فضاهای ارائه‌دهندهٔ خدمات فرهنگی به‌ویژه خانهٔ فرهنگ، افزایش کیفیت کالبدی پیاده‌رو از طریق ایده‌هایی مانند گذر فرهنگ و هنر محله، تشویق مالکان به مرمت ساختمان‌های تاریخی خود و استفاده از این ساختمان‌ها به‌عنوان اقامتگاه‌های بوم‌گردی (اکولوژها)، هدایت حرکت عبوری به معابر اصلی حاشیهٔ محله و حفظ محله از ترافیک سواره
		کیفیت محیط	محله‌ای برخوردار از آرامش و کیفیت محیطی مناسب	راهبرد: برقراری تعادل میان کاربری‌های محله‌ای و عملکردهای گردشگری فرهنگی سیاست: جلوگیری از استقرار بیش از حد کاربری‌های فرامحله‌ای، جلوگیری از استقرار فعالیت‌های ناهماهنگ با هویت تاریخی فرهنگی محله، الزام به رعایت هماهنگی کیفیت بصری در نواحی ارزشمند از نظر تاریخی و فرهنگی و ارتقای کیفیت بصری این فضاها به‌کمک آثار هنری متناسب با هویت آن‌ها
روند کاری	ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	هماهنگی در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	محله‌ای با مدیریت محله‌گرا، هماهنگ با سطوح فرادست و مینی‌فرهنگ ساکنان و مشارکت آن‌ها	راهبرد: تقویت نقش نهادهای مردمی و بخش خصوصی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست: تقویت ساختار شورایی محله به‌کمک ارتباط بیشتر و نزدیک‌تر با شورای شهر، انتخاب شهردار محله به‌کمک شورایی‌ها به‌منظور پیگیری امور اجرایی محله و افزایش اختیار نهادهای محله‌ای در ساختار تصمیم‌گیری شهری

ایجاد مسیرهای اقدام با به‌کارگیری روش / فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط
مسیر اجرایی کردن چشم‌اندازها، از تعیین اهداف، راهبردها و برنامه‌های اقدام می‌گذرد. سپس به‌منظور اجرای مجموعه اقدامات و برنامه‌های اجرایی^۱ مسیرهای اقدام گزینه ایجاد می‌شود که متشکل از رهیافت‌های سازگار با یکدیگر است. فعالیت‌هایی که به این منظور انجام می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. تعیین حوزه‌های تصمیم‌گیری هر عرصه؛

۲. جست‌وجوی ناسازگاری میان اختیارها؛

۳. مشخص کردن مجموعه‌های سازگار از اختیارها؛

۴. انتخاب مسیر عمل برتر.

تعیین و تشریح عرصه‌های تصمیم و اختیارهای هر عرصه

عرصه‌های تصمیم به‌کمک اهداف کلان تعیین می‌شود. به این صورت که عرصه‌ای از تصمیم‌گیری درباره هر هدف کلان تعریف می‌شود و تعیین اختیارهای هر عرصه، با توجه به رهیافت‌های تعریف‌شده صورت می‌گیرد (جدول ۳).

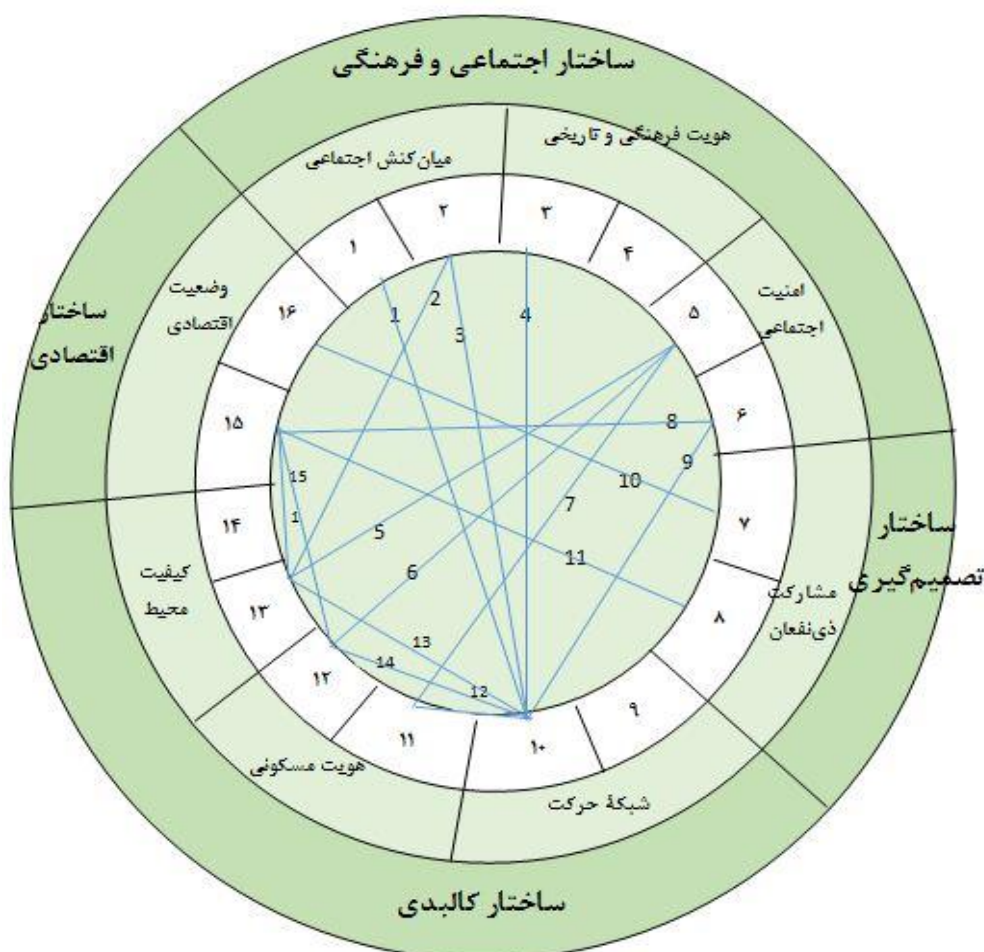
جدول ۳. تعیین عرصه‌های تصمیم و اختیارهای هر عرصه

هدف کلان مینی‌پر چشم‌انداز	عرصه	اختیار
ارتقای امنیت در محله	امنیت اجتماعی	افزایش نظارت اجتماعی استقرار فعالیت‌ها در شب
حفظ و ارتقای منزلت و هویت فرهنگی و تاریخی	هویت فرهنگی و تاریخی	ارتقای فرهنگ ساکنان حفاظت و تقویت فضاهای فرهنگی
تقویت میان‌کنش اجتماعی	میان‌کنش اجتماعی	افزایش میان‌کنش سطح فرامحله‌ای افزایش میان‌کنش سطح محله‌ای
توسعه اقتصادی محله مینی‌پر توسعه گردشگری فرهنگی	وضعیت اقتصادی	تقویت توان اقتصادی ساکنان افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی
حفظ و تقویت هویت مسکونی محله	هویت مسکونی	برقراری تعادل میان کاربری‌های مسکونی و گردشگری فرهنگی
بهبود وضعیت شبکه حرکت	شبکه حرکت	تأمین خدمات درون‌محله‌ای اصلاح شبکه حرکت سواره
ارتقای کیفیت محیط	کیفیت محیط	افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده تأکید بر کیفیت محیط کالبدی تأکید بر ارتقای کیفیت محیط زیست
افزایش هماهنگی و کارآمدی ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری درمورد تغییر و توسعه در محله، به‌ویژه درمورد فضاهای تاریخی - فرهنگی	مشارکت ذی‌نفعان	تأکید بر نقش نهادهای مردمی تأکید بر نقش خصوصی

طراحی نمودار انتخاب

پس از تعیین عرصه‌های تصمیم و اختیارهای هر عرصه می‌توان ترکیب‌های بی‌شماری از اختیارها را ایجاد کرد. بررسی سازگاری میان اختیارها و حذف ترکیب‌های دارای ناسازگاری ممکن است تعداد ترکیب‌ها را محدود کند؛ از این رو پیش از تولید مسیرهای عمل، تعیین سازگاری یا ناسازگاری هر اختیار با اختیارهای عرصه‌های دیگر صورت می‌گیرد و سپس در نمودار انتخاب، ناسازگاری میان اختیارها در عرصه‌های گوناگون به صورت بصری نمایش داده می‌شود. در شکل ۲، نام اختیارها بر روی دایره‌ای قرار گرفته است. نام اختیارهایی که با یکدیگر ناسازگارند نیز با میله مانع به یکدیگر متصل شده‌اند. نمودار انتخاب برای نمایش ناسازگاری اختیارهای بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی در محله تاریخی ظهیرآباد، به صورت سه دایره درون هم ترسیم شده است. دو نمودار درونی نشان‌دهنده عرصه‌ها و اختیارهای هر عرصه و دایره بیرونی، بیان‌کننده دسته‌بندی عرصه‌هاست. آن دسته از اختیارهایی که ناسازگاری میان آن‌ها معرفی و تشریح شده است با میله مانع به یکدیگر متصل شده‌اند.

در جدول ۴، اختیارهای ناسازگار و دلایل آن قابل مشاهده است.



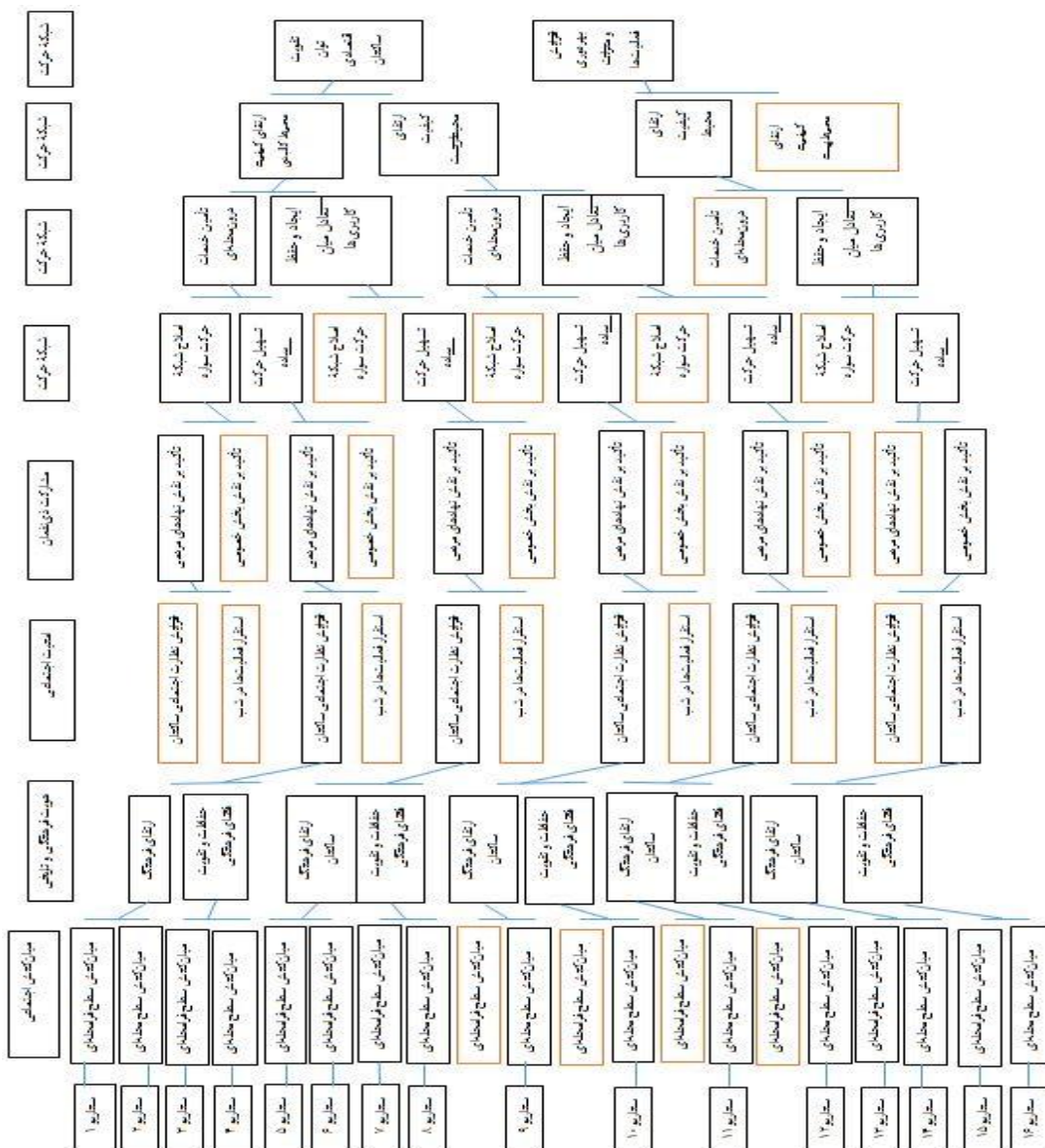
شکل ۲. نمودار انتخاب برای محله تاریخی ظهیرآباد

جدول ۴. معرفی اختیارات ناسازگار و دلایل آن

میلۀ مانع	ناسازگاری	دلیل ناسازگاری
۱	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار افزایش میان کنش سطح محله‌ای در عرصه اجتماعی	ترجیح اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره بر اختیار افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده که سبب کاهش فرصت‌های میان کنش اجتماعی به‌ویژه در سطح محله‌ای می‌شود.
۲	ناسازگاری میان اختیار تأکید بر ارتقای کیفیت محیط‌زیست در عرصه کیفیت محیط و اختیار افزایش میان کنش سطح فرامحله‌ای در عرصه میان کنش اجتماعی	افزایش میان کنش سطح فرامحله‌ای با جذب جمعیت از بیرون محله، سبب استفاده بیشتر از فضاها و افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه آلودگی صوتی و حجم بالای پسماند می‌شود.
۳	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار افزایش میان کنش سطح فرامحله‌ای در عرصه میان کنش اجتماعی	ترجیح اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره بر اختیار افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده با امکان تشویق حرکت سواره، به کاهش فرصت‌های میان کنش اجتماعی می‌انجامد. از سوی دیگر، اگر اصلاح شبکه حرکت سواره به‌صورت تعریض معابر باشد می‌تواند سبب ازهم‌گسیختگی فضاهای دارای قابلیت استفاده به‌عنوان فضاهای جای‌دهنده میان کنش اجتماعی شود.
۴	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار تأکید بر حفاظت و تقویت فضاهای فرهنگی در عرصه هویت فرهنگی و تاریخی	اصلاح شبکه سواره در افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده، سازگاری کمتری با حفاظت و تقویت فضاهای فرهنگی دارد؛ زیرا تقویت هویت نواحی تاریخی به کمک تشویق حرکت پیاده صورت می‌گیرد. علاوه‌براین اصلاح و تعریض معابر از نظر کالبدی سبب آسیب به نواحی فرهنگی و تاریخی می‌شود.
۵	ناسازگاری میان اختیار استقرار فعالیت‌ها در شب در عرصه امنیت اجتماعی و اختیار تأکید بر ارتقای کیفیت محیط‌زیست در عرصه کیفیت محیط	استقرار فعالیت‌های ممکن در ساعات پایانی روز و شب شدت حرکت در شبکه معابر را به کمک جذب جمعیت بیشتر افزایش می‌دهد و بر میزان آلودگی هوا می‌افزاید. همچنین سبب افزایش میزان تولید پسماند می‌شود.
۶	ناسازگاری میان اختیار استقرار فعالیت‌ها در شب در عرصه امنیت و اختیار تأمین خدمات درون‌محله‌ای در عرصه هویت مسکونی	اختیار استقرار فعالیت‌هایی که در شب انجام می‌شود، به‌دلیل تقویت نقش فرامحله‌ای محله، با اختیار تأمین خدمات درون‌محله‌ای ناسازگار است.
۷	ناسازگاری میان اختیار استقرار فعالیت‌ها در شب در عرصه امنیت اجتماعی و اختیار تعادل کاربری‌های مسکونی و غیر در هویت مسکونی	استقرار فعالیت‌هایی که در ساعات پایانی روز و در شب صورت می‌گیرد، سبب افزایش نقش فرامحله‌ای می‌شود و به استقرار فعالیت‌های فرامحله‌ای بیشتر که سرشت غیرمسکونی دارند می‌انجامد.
۸	ناسازگاری میان اختیار افزایش نظارت اجتماعی ساکنان در عرصه امنیت اجتماعی و اختیار افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی در عرصه وضعیت اقتصادی	افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی به کمک تقویت نقش فرامحله‌ای محله‌ها و جذب جمعیت از بیرون محله، امکان نظارت اجتماعی ساکنان محله را کاهش می‌دهد.
۹	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار افزایش نظارت اجتماعی ساکنان در عرصه امنیت اجتماعی	ترجیح اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره سبب اولویت این حرکت بر حرکت پیاده می‌شود. در نتیجه نظارت اجتماعی در عرصه امنیت کاهش می‌یابد.
۱۰	ناسازگاری میان اختیار تأکید بر نقش بخش خصوصی در عرصه مشارکت ذی‌نفعان و اختیار تقویت توان اقتصادی ساکنان در عرصه وضعیت اقتصادی	تأکید بر نقش بخش خصوصی در تصمیم‌گیری در مورد تغییر و توسعه در محله، سبب افزایش توان فعالان اقتصادی بخش خصوصی در رقابت با تعاونی‌های اقتصادی می‌شود که مشکل از افراد و گروه‌های مردمی است.
۱۱	ناسازگاری میان اختیار تأکید بر نقش نهادهای مردمی در عرصه مشارکت ذی‌نفعان و اختیار افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌ها در عرصه وضعیت اقتصادی	تأکید بر نقش نهادهای مردمی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مورد تغییر و توسعه محله می‌تواند فعالیت اقتصادی این نهادها را بر فعالیت‌های اقتصادی بخش‌های دیگر اولویت دهد که قدرت مالی و فنی بیشتری برای افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت اقتصادی دارند.
۱۲	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار ایجاد تعادل میان کاربردهای مسکونی و غیرمسکونی در عرصه هویت مسکونی	اصلاح شبکه حرکت سواره، به‌دلیل تسهیل دسترسی سواره می‌تواند به جذب فعالیت‌های غیرمسکونی بینجامد که مکان‌های دارای دسترسی سواره بهتر را جست‌وجو می‌کنند.
۱۳	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار تأمین خدمات درون‌محله‌ای در عرصه هویت مسکونی	انتخاب اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره به‌جای افزایش ایمنی و سهولت حرکت پیاده می‌تواند در نادیده‌گرفته‌شدن نیاز ساکنان به تأمین خدمات درون‌محله‌ای در فاصله قابل دسترسی از طریق پیاده‌روی مؤثر باشد. برای این منظور می‌توان بیشتر بر حرکت سواره تأکید کرد.
۱۴	ناسازگاری میان اختیار اصلاح شبکه حرکت سواره در عرصه شبکه حرکت و اختیار تأکید بر ارتقای کیفیت محیط‌زیست در عرصه کیفیت محیط	ترجیح اصلاح شبکه حرکت سواره بر افزایش ایمنی و سهولت حرکت پیاده می‌تواند به تشویق حرکت سواره بینجامد؛ از این‌رو آلودگی صوتی و آلودگی هوا افزایش می‌یابد و کیفیت محیط با آتاری نامطلوب همراه می‌شود.
۱۵	ناسازگاری میان اختیار افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی در عرصه وضعیت اقتصادی و تأمین خدمات درون‌محله‌ای در عرصه هویت مسکونی	افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی به‌دلیل تقویت نقش فرامحله‌ای مکان، سبب توجه نهادها به این نقش می‌شود؛ بنابراین توجه به نیاز ساکنان در زمینه خدمات محله‌ای کاهش می‌یابد.
۱۶	ناسازگاری میان اختیار افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی در عرصه وضعیت اقتصادی و اختیار تأکید بر ارتقای کیفیت محیط‌زیست در عرصه کیفیت این محیط	افزایش بهره‌وری و منزلت فعالیت‌های اقتصادی، سبب جذب جمعیت بیشتر از بیرون منطقه می‌شود. در نتیجه شدت حرکت در شبکه معابر، آلودگی هوا و تولید پسماند افزایش می‌یابد و کیفیت محیط با اثری منفی همراه می‌شود.

تولید مسیرهای اقدام گزینه

پس از تعیین اختیارهای هر عرصه و شناسایی اختیارهای ناسازگار، تولید مسیرهای اقدام گزینه، به‌صورت ترکیب‌هایی از اختیارهای سازگار امکان‌پذیر می‌شود. در تولید سناریوهای گزینه برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی در محله تاریخی ظهیرآباد، ترکیب‌های امکان‌پذیر متشکل از اختیارهای تعیین‌شده به‌کمک نمودار درخت تصمیم طرح می‌شوند. در این نمودار هر اختیار می‌تواند با اختیارهای دیگر که میان آن‌ها میله مانعی ترسیم نشده باشد، ترکیب شود و سناریوها را ایجاد کند. در پایان ترسیم درخت اختیار، شانزده مسیر که با ترکیب‌های ناسازگار همراه نبوده‌اند باقی مانده‌اند. این مسیرها که از توالی هشت اختیار سازگار تشکیل شده‌اند، مسیرهای اقدام گزینه قابل تولید هستند (نمودار ۳).



نمودار ۳. درخت تصمیم برای محله تاریخی ظهیرآباد

مسیرهای اقدام گزینه و انتخاب مسیر اقدام برتر

انتخاب مسیر اقدام برتر، نیازمند مقایسه مسیرهای اقدام گزینه است؛ زیرا اهداف، مقصد کلی و نهایی یک برنامه هستند و با تحقق آن‌ها چشم‌انداز برنامه محقق می‌شود. بهترین مسیر اقدام می‌تواند مسیری باشد که بیشترین میزان دستیابی به اهداف تعیین‌شده را تأمین کند؛ به‌ویژه اینکه این اهداف با توجه به فرصت‌ها و پتانسیل‌های موجود در ناحیه شهری مورد برنامه‌ریزی تعیین شده باشند؛ از این‌رو، قیاس میان گزینه‌ها می‌تواند از نظر میزان دستیابی به اهداف تدوین‌شده انجام شود. در نتیجه این قیاس، قابلیت کاربرد اهداف خرد از اهداف کلان که سرشتی عام و گسترده دارند، بیشتر است. به کمک اهداف بیان‌شده، مسیرهای عمل گزینه برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مبنا با رهیافت گردشگری فرهنگی در محله تاریخی ظهیرآباد انتخاب می‌شود و مقایسه این مسیرها با یکدیگر صورت می‌گیرد. بدین‌منظور وضعیت اختیارها پس از بررسی از نظر تأثیرگذاری بر دستیابی به اهداف خرد، امتیازدهی می‌شود، سپس محاسبه مجموع امتیازهای هر اختیار صورت می‌گیرد و مسیر عملی که بیشترین امتیاز را به دست بیاورد، به‌عنوان مسیر اقدام برتر مدنظر قرار می‌گیرد (جدول ۵).

جدول ۵. تعیین مسیرهای اقدام گزینه از نظر دستیابی به اهداف

شماره سناریو	امتیاز عرصه وضعیت اقتصادی	امتیاز عرصه کیفیت محیط	امتیاز عرصه هویت مسکونی	امتیاز عرصه شبکه حرکت	امتیاز عرصه شبکه ذی‌نفعان	امتیاز عرصه امنیت اجتماعی	امتیاز عرصه هویت فرهنگی و تاریخی	امتیاز عرصه میان‌کنش اجتماعی	امتیاز نهایی
۱	۱۳	۲۰	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۱۱	۱۳۱
۲	۱۳	۲۰	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۲۳	۱۴۳
۳	۱۳	۲۰	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۱۱	۱۳۴
۴	۱۳	۲۰	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۲۳	۱۴۶
۵	۱۳	۲۰	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۱۱	۱۲۸
۶	۱۳	۲۰	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۲۳	۱۴۰
۷	۱۳	۲۰	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۱۱	۱۳۱
۸	۱۳	۲۰	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۲۳	۱۴۳
۹	۱۳	۱۹	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۲۳	۱۴۲
۱۰	۱۳	۱۹	۱۴	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۲۳	۱۴۵
۱۱	۱۳	۱۹	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۰	۲۳	۱۲۹
۱۲	۱۳	۱۹	۱۱	۱۴	۲۷	۱۲	۲۳	۲۳	۱۴۲
۱۳	۱۱	۲۰	۱۱	۱۴	۱۵	-۱	۲۰	۱۱	۱۰۱
۱۴	۱۱	۲۰	۱۱	۱۴	۱۵	-۱	۲۰	۲۳	۱۱۳
۱۵	۱۱	۲۰	۱۱	۱۴	۱۵	-۱	۲۳	۱۱	۱۰۴
۱۶	۱۱	۲۰	۱۱	۱۴	۱۵	-۱	۲۳	۲۳	۱۱۶

سناریو ۴ با ۱۴۶ امتیاز به‌عنوان گزینه برتر، با اختیارها و اهداف زیر به‌عنوان گزینه‌ای انتخاب شد که بیشترین میزان دستیابی به اهداف را تأمین کرده است.

۱. تقویت توان اقتصادی ساکنان با رویکرد کارآفرینی در زمینه جذب گردشگران فرهنگی؛
۲. تأکید بر ارتقای کیفیت محیط کالبدی با محوریت پیاده‌راه‌سازی در محورهای تاریخی محله؛
۳. تأمین خدمات درون‌محله‌ای به‌منظور حفظ و تقویت هویت مسکونی محله و توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی؛

۴. افزایش سهولت و ایمنی حرکت پیاده به‌منظور بهبود وضعیت شبکه حرکت و روان‌سازی مسیرهای گردشگری محله؛
۵. تأکید بر نقش نهادهای مردمی در تصمیم‌گیری درمورد تغییر و توسعه محله، به‌ویژه فضاهای تاریخی و فرهنگی؛
۶. افزایش نظارت اجتماعی ساکنان به‌منظور افزایش امنیت اجتماعی؛
۷. تأکید بر حفاظت و تقویت فضاهای فرهنگی و تاریخی، به‌منظور حفظ و ارتقای منزلت هویت تاریخی و فرهنگی محله؛
۸. تأکید بر افزایش میان‌کنش سطح محله به‌منظور تقویت میان‌کنش اجتماعی.

نتیجه‌گیری

امروزه فرایند بازآفرینی شهری فرهنگ مینا براساس تجارب موفق دنیا و با توجه به رهیافت گردشگری فرهنگی و تاریخی، مسیر پایدارتر و خردمندانه‌تری را برای دستیابی به احیا و نوسازی بافت‌های تاریخی و هویت‌مند خود طی می‌کند. در این میان، ماهیت و مسیر برنامه‌ریزی، همچنین نحوه ترکیب اهداف بازآفرینی فرهنگ مینا با ابزارها و الزامات گردشگری فرهنگی می‌تواند در رسیدن به این هدف حیاتی باشد. چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکت ساکنان (جامعه میزبان گردشگران فرهنگی) و فعال‌سازی آن‌ها مهم‌ترین ابزار توسعه گردشگری فرهنگی است که همراه با تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، بهبود فضاهای در حال اضمحلال فرهنگی و هنری محله‌های تاریخی و... وابستگی زیادی به فرایند برنامه‌ریزی و تعامل فرایند برنامه‌ریزی بازآفرینی شهری فرهنگ مینا و گردشگری فرهنگی دارد. در این پژوهش، کاربرد یکی از به‌روزترین روش‌های کیفی (روش/ فن تحلیل عرصه‌های تصمیم‌گیری) به برقراری این تعامل در یکی از تاریخی‌ترین محله‌های تهران، محله ظهیرآباد، بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد این روش/ فن به‌دلیل ارتباط‌گیری با بخش وسیعی از ساکنان و اسناد مصوب مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی در شناسایی فرصت‌ها و چالش‌ها و ایجاد نمودار انتخاب، تعیین اختیارات دارای ناسازگاری، دلایل ناسازگاری و درنهایت تعیین مسیرهای عمل‌گزینه از نظر دستیابی به اهداف، فرایند برنامه‌ریزی بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی را تسهیل می‌کند و گزینه‌های تحقق‌پذیرتری را در اختیار تصمیم‌گیران و مدیران شهری قرار می‌دهد. کاربرد این روش/ فن در محله ظهیرآباد نشان می‌دهد تقویت زیرساخت‌های اقتصاد محلی به‌کمک نیروبخشی زیرساخت‌های گردشگری فرهنگی و کارآفرینی در کنار تقویت ساختارهای مدیریت محله‌ای و تأمین امنیت اجتماعی، مهم‌ترین گزینه برای اقدامات بازآفرینی فرهنگ مینا با رهیافت گردشگری فرهنگی است که می‌تواند مبنای جهت‌گیری بودجه سازمان‌های متولی را در این حوزه تعیین کند.

منابع

- مامفورد، لوئیز، ۱۳۸۵، فرهنگ شهرها، ترجمه عارف اقوامی مقدم، انتشارات آگه، تهران.
- عزیزی، محمدمهدی، ۱۳۷۹، «سیر تحول سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن شهری در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، سال ۳، شماره ۷، صص ۳۷-۴۶.
- مهندسان مشاور توسعه بوم‌سازگان پایدار، ۱۳۸۵، طرح ساختاری-راهبردی توسعه و عمران شهر تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری تهران.
- مهندسان مشاور مهرآزان، ۱۳۸۵، طرح مطالعات و بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۲۰ شهر تهران، نهاد مشترک مسئول تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران.
- Andrew S., Ingvild V., and Krogh S., 2010, *Oslo's New Opera House: Cultural Flagship, Regeneration Tool or Destination Icon?* European Urban and Regional Studies
- Blessi, G. T., 2012, *New Trajectories in Urban Regeneration Processes, Cultural Capital as Source of Human and Social Accumulation- Evidence from the Case of Tohu in Montreal*, Cities.
- Christian M, R., 2012, *Urban Tourism, Economic Regeneration and Inclusion: Evidence from South Africa*, The Journal of the Local Economy Policy Unit
- Law, C. M. (1992). Urban tourism and its contribution to economic regeneration. *Urban studies*, 29(3-4), 599-618.
- Middleton, C., and Freestone, Ph., 2008, *The Impact of Culture-Led Regeneration on Regional Identity in North East England*, Regional Studies Association International Conference the Dilemmas of Integration and Competition Prague, Czech Republic.
- Clare, M., and Emily B., 2006, *Testing a Conceptual Model of Cultural Tourism Development in the Post-Industrial City: A Case Study of Glasgow*, Tourism and Hospitality Research.
- Comedia, R., 2003, *Releasing the Cultural Potential of our Core Cities: Culture and the Core Cities* (http://Corecities.Com/Coredev/Comedia/Com_Cult.Html).
- Dekker, F. et al., 1978, *What a Multi Level Application of Strategic Choice at the Sub- Regional Level*, The Town Planing Review, Vol. 49, No. 2, PP. 149-162.
- Eugenia, W., 2016, *The Consumption of Cultural Experiences in City Tourism*, Tourism and Hospitality Research.
- Evans, G., 2005, *Measure for Measure: Evaluating the Evidence of Culture's Contribution to Regeneration*, Urban Studies, Vol. 42, No. 5, PP. 959-983.
- Grecia, B., 2005, *Deconstructing the City of Culture: The Long Term Cultural Legacies of Glasgow 1990*, Urban Studies, Vol. 42, No. 6, PP. 841-868.
- Javier, M., and Manuel G., 2016, *Culture, Urbanism and Planning (Heritage, Culture and Identity)*, Routledge, 1 Edition.
- Joaquim, R. U., 2014, *Culture and Authenticity in Urban Regeneration Processes: Place Branding in Central Barcelona*, Journal of Urban Studies, Vol. 51, No. 14, PP. 3026-3045.
- K, B., 1993, *Urban Cultural Strategies and Urban Regeneration: A Case Study and Critique*, Environment and Planning A: Economy Space.
- Kearns, G., and Philo, C., 1993, *Selling Places, The City as Cultural Capital, Past and Present*, Oxford, Pergamon Press.

- Herrero-Prieto, L. C., & Gomez-Vega, M. (2017). Cultural resources as a factor in cultural tourism attraction: Technical efficiency estimation of regional destinations in Spain. *Tourism Economics*, 23(2), 260-280.
- Hudec, O., and Džupka, P., 2014, *Culture Led Regeneration Through the Young Generation: Košice as the European Capital of Culture*, European Urban and Regional Studies.
- Steven M., and Ronan P., 2005, *Introduction: The Rise and Rise of Culture Led Urban Regeneration*, Urban Studies.
- Azizi, M. M., 2000, *Evolution of Intervention Policies in Urban Old Neighborhoods in Iran*, Fine Arts Magazine, Vol. 3, No. 7, PP. 37-46. (In Persian).
- Bassett, K., 1993, *Urban Cultural Strategies and Urban Regeneration: A Case Study and Critique*, Environment and Planning A: Economy Space
- Boom Sazegan Consulting Engineers, 2006, *Structural Strategic Development Plan of Tehran City*, Ministry of Housing and Urban Development Tehran Municipality. (In Persian)
- Rogerson, C. M., 2012, *Urban Tourism, Economic Regeneration and Inclusion: Evidence from South Africa*, The Journal of the Local Economy Policy Unit, Vol. 28 No. 2, PP.188-202.
- Law, C. M., 1992, *Urban Tourism and Its Contribution to Economic Regeneration*, Urban Studies.
- Murphy, C., and Boyle, E., 2006, *Testing a Conceptual Model of Cultural Tourism Development in the Post Industrial City, A Case Study of Glasgow*, Tourism and Hospitality Research.
- Herrero-Prieto, L. C., & Gomez-Vega, M. (2017). Cultural resources as a factor in cultural tourism attraction: Technical efficiency estimation of regional destinations in Spain. *Tourism Economics*, 23(2), 260-280.
- Monclus, J., and Guardia, M., 2005, *Culture, Urbanism and Planning (Heritage, Culture and Identity)*, Ashgate, Burlington, VT, Routledge, 1 Edition,
- Mehrazan Consulting Engineers, 2006, *Study of Urban Development Issues on District 20 of Tehran Municipality*, Joint Unit Responsible for Comprehensive and Detailed Plans of Tehran. (In Persian)
- Mumford, L., 2006, *Culture of the Cities*, Translation by Aref Aqvami Moghaddam, Age Publishing. (In Persian)
- Smith, A., and Strand, I. K., 2010, *Oslo's New Opera House: Cultural Flagship, Regeneration Tool or Destination Icon?* European Urban and Regional Studies.
- Wickens, E., 2016, *The Consumption of Cultural Experiences in City Tourism*, Tourism and Hospitality Research.
- Ulldemolins, J, R., 2014, *Culture and Authenticity in Urban Regeneration Processes: Place Branding in Central Barcelona*, Urban Studies
- Doucet, P., 2006, *Territorial Cohesion of Tomorrow: A Path to Cooperation or Competition?* European Planning Studies, Vol. 14, No. 10, PP. 1473-1485.
- Sasaki, M., 2007, *Urban Regeneration Through Cultural Diversity And Social Inclusion*, (<http://Cujucr.Com/Downloads/Individual%20Articles/2/Vol2%20Masayuki%20Sasaki.Pdf>).
- Evans, G., and Shaw, P., 2004, *The Contribution of Culture to Regeneration in the UK: A Review of Evidence, A Report to the Department for Culture Media and Sport*, London Metropolitan University.
- Miles, R., and Paddison, R., 2005, *The Rise and Rise of Culture Led Urban Regeneration*, Urban Studies, Vol. 42, No. 6, PP. 833-839
- Guachalla, A., 2016, *Perception and Experience of Urban Areas for Cultural Tourism: A Social Constructivist Approach in Covent Garden*, Tourism and Hospitality Research, Vol. 18, No. 3, PP. 297-308